

رازگشایی آیات و روایات از حقیقت شب قدر

استاد دانشگاه تهران با اشاره به آیاتی که در قرآن به صراحت و اشاره به شب قدر مربوط می‌شود، یکی از مهمترین روایات اهل بیت(ع) درباره حقیقت شب قدر را بازگو کرد.



استاد دانشگاه تهران با اشاره به آیاتی که در قرآن به صراحت و اشاره به شب قدر مربوط می‌شود، یکی از مهمترین روایات اهل بیت(ع) درباره حقیقت شب قدر را بازگو کرد.

به گزارش اینکنا، نشست «حقیقت ليله القدر و دعا در ماه رمضان» با سخنرانی مجید معارف، استاد دانشگاه تهران شب گذشته ۲۰ فروردین ماه در دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

درباره ليله القدر اشاراتی در قرآن کریم داریم و بیشتر از آن در روایات شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است. در سوره بقره به اجمال می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» که به نزول قرآن در ماه رمضان اشاره می‌کند. برای اینکه مشخص شود قرآن در یک شب نازل شده یا شب‌های مختلف در ابتدای سوره دخان می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» برای اینکه این ليله مبارکه را از اجمال خارج کند یک سوره اختصاصی به نام سوره قدر نازل کرده است که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ». این آیه جایگاه ليله القدر را نشان می‌دهد که به تنهایی ارزشش از هزار ماه بیشتر است. بعد می‌فرماید در این شب ملائکه در رفت و آمد هستند. مرکز نزول ملائکه در شب قدر «انسان» است.

به نظر می‌آید مجموعه آیاتی که به صراحت یا اشاره از ليله القدر خبر می‌دهد محدود به همین سه مورد باشد. آیه دیگری هم در این زمینه وجود دارد که به آن کمتر توجه می‌شود و آن آیه دوم سوره نحل است: «يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْزِلُوا أَنَّهُ لَآ إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ». این آیه خیلی شبیه آیه ای است که در سوره قدر آمده است. آیه می‌فرماید ملائکه را بر آن کسی از بندگانش که می‌خواهد، نازل می‌کند. این آیه نسبت به تمام آیاتی که خواندیم دارای این نکته اضافه است که ملائکه در معیت روح به این جهان نازل می‌شوند و مرکز نزولشان انسان است. ملائکه به طبیعت بی‌جان نازل نمی‌شوند و ایستگاه نزولشان انسان است.

تا اینجا جایگاه قرآنی ليله القدر را توضیح دادم. البته ما می‌توانیم در قرآن با سولاتی روبرو باشیم از جمله اینکه ليله القدر کدام شب از ماه رمضان است. یکی از محققان گفته اگر بخواهیم از علم اعداد و حروف استفاده کنیم جایی که می‌گوید «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» مجموعه حروف ۲۳ حرف است، آیه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ» ۱۹ حرف است، آیه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» ۲۱ حرف است و این اشاره ای است به اینکه ليله القدر را میان این سه شب جست و جو کنید. این حرف چندان دقیق نیست چون طبق شمارش من آیه اول ۲۲ حرف دارد، آیه دوم ۱۹ حرف و آیه سوم ۲۰ حرف دارد.

ما برای اینکه با ليله القدر بیشتر آشنا شویم باید سراغ روایات برویم. من دو منبع در این زمینه معرفی می‌کنم. منبع اول کتاب فروع کافی است. در کتاب الصيام، مرحوم کلینی بابی با عنوان ليله القدر قرار داده است و ۱۲ حدیث درباره ليله القدر نقل کرده است. افزون بر این علامه مجلسی در جلد ۹۴ بحار الانوار اولین بابی که طراحی می‌کند درباره ليله القدر است. در این باب ۶۱ حدیث می‌بینیم. اکثر این روایات از سایر منابع استخراج شده است چون روش علامه در بحار این است که در درجه اول سراغ سایر منابع حدیثی شیعه غیر از کتب اربعه می‌رود. مهمترین حدیث درباره ليله القدر

درباره لیالی قدر در روایات یک حدیث اساسی و محوری داریم و سایر روایاتی که در این زمینه وارد شده به حواشی ليله القدر اشاره می‌کند. این حدیث محوری، حدیث هشتم از ۱۲ حدیث کافی است. اسحاق بن عمران از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن أبي عبد الله المؤمن عن إسحاق بن عمار قال: سمعته يقول: و ناس یسألونه یقولون: الأرزاق تقسم لیلۃ النصف من شعبان، قال: فقال: لا والله ما ذاك إلا فی لیلۃ تسع عشرة من شهر رمضان و إحدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن فی لیلۃ تسع عشرة يلتقی الجمعان و فی لیلۃ إحدى و عشرين یفرق کل أمر حکیم و فی لیلۃ ثلاث و عشرين یمضی ما أراد الله عز و جل من ذلك و هي لیلۃ القدر التي قال الله عز و جل: خیر من ألف شهر، قال: قلت: ما معنی قوله: يلتقی الجمعان؟ قال: یجمع الله فیها ما أراد [من] تقدیمه وتأخیره وإرادته و قضائه، قال: قلت: فما معنی یمضیه فی ثلاث و عشرين؟ قال: إنه یفرقه فی لیلۃ إحدى و عشرين [مضاؤه] و یكون له فیہ البداء فإذا كانت لیلۃ ثلاث و عشرين إمضاء فیکون

یک اندیشه ای وجود داشت که نیمه شعبان از شب های محتمل القدر است و ارزاق در آن شب تقسیم می شود. امام می فرمایند تقسیم ارزاق ربطی به ماه شعبان ندارد و به شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ مربوط می شود. روابط این سه شب به این صورت است که در شب ۱۹ امور مختلف و متقابل با هم مواجه می شوند. در شب ۲۱ هر تقدیر محکم و امر مشخص و قاطعی از امور ناپایدار جدا می شود. در شب ۲۳ هر کاری که متعلق اراده و مشیت الهی قرار بگیرد امضا می شود و این همان مفاد آیه قرآن است که می فرماید: «خیر من ألف شهر». راوی از امام سوال می کند معنای «یلتقی الجمعان» چیست؟ امام می فرمایند خداوند در شب ۲۱ اموری که می تواند جلو بیفتند، عقب بیفتند، متعلق اراده واقع شوند، متعلق اراده واقع نشوند یکجا جمع می کند. راوی می پرسد معنای اینکه شب ۲۳ کارها امضا می شود چیست؟ حضرت می فرمایند اصل امضا در شب ۲۱ واقع می شود ولی در فاصله ۲۱ تا ۲۳ خود خداوند قانون بدأ را اعمال می کند. بدأ یعنی چه؟ یعنی اینکه خداوند در این فاصله یک چیزهایی را از کتاب مقدرات حذف می کند و یک چیزهایی به آن اضافه می کند. وقتی شب ۲۳ آمد این مقدرات امضاشده که تا آن زمان امکان اصلاح دارد به امور حتمی و غیر قابل تقدیر تبدیل می شود.

اینکه امام در روایت قبل فرمود «فإن في ليلة تسع عشرة يلتقى الجمعان» به این معنا است که موت در تقابل با حیات است، خیر در تقابل با شر است، وسعت روزی در تقابل با تنگنای روزی است، سلامتی در تقابل با بیماری است. بنابراین معنای یلتقی الجمعان یعنی تقدیرهای متقابل که در طول یک سال در پیش روی ما است.

با توجه به این حدیث که یک حدیث کلیدی است ما سه شب داریم؛ ۱۹، ۲۱ و ۲۳. در روایات دیگر برای این شب ها نامگذاری شده است. مثلاً در روایت شماره ۹ می خوانیم: «عن زرارة قال: قال أبو عبد الله (ع) التقدير في ليلة تسع عشرة والابرام في ليلة إحدی و عشرين والامضاء في ليلة ثلاث و عشرين.» در یکی از این سه شب مقدرات تعیین می شود، در شب دوم مقدرات به سمت قطعیت می رود و در شب سوم مقدرات به سمت اجرا می رود. گویی هر چه ما به سمت اواخر می رویم قضیه حساس تر می شود.

در برخی روایات هست که وقتی برخی اصحاب خدمت ائمه می رسیدند که چه شبی اعمال ليله القدر را به جا بیاوریم ائمه از شب ۱۹ حرفی نمی زدند: «سألته عن ليلة القدر فقال: التمسها [في] ليلة إحدی وعشرين أو ليلة ثلاث و عشرين» چرا اینطور است؟ من می خواهم نکته فقه الحدیثی آن را به این صورت توضیح دهم که شب ۱۹ ادامه طبیعی وضعیت زندگانی من در سال گذشته است. مثلاً در طول سال گذشته من موقعیتی به هم زدم و بر اساس آن خدماتی دارم، ظرفیتی دارم، استعدادهایی دارم، نقشه هایی کشیدم. در شب ۱۹ تمام آن مقدرات بر اساس وضعیت من، استعدادها من، تلاش های من جاری و ساری است. این تقدیری است که پشتوانه آن وضعیت کنونی من است. چه احیا به جا بیاورم و چه نیاورم این وضعیت برای من موجود است. شب ۱۹ ادامه زندگانی قبلی من است مگر اینکه خودم نسبت به برخی عملکردهای سال گذشته ام دلگیر باشم و بخواهم تجدید نظر کنم ولی حتی اگر از این معنا غافل شوم تقدیراتی بر اساس روند جاری زندگانی من برایم در نظر گرفته می شود.

اگر قرار باشد تحولی در برنامه های من اتفاق بیفتد شب ۲۱ معنادار است. از آن بالاتر شب ۲۳ است که در آن این قطعیت افزایش پیدا می کند و تغییر ناپذیر می شود. اگر من تحولی در خودم ایجاد کنم سرنوشت جدید رقم می خورد و معنای بدأ همین است. به همین دلیل در برخی روایات بحثی از شب ۱۹ نیست.